



۲۰۱۸/۱۱/۲۴



یاسین حکیم

امتناع برگشت به گذشته

در قالب نظام های سیاسی، رفتارهای سیاسی متفاوت در تاریخ افغانستان سپری شده است. برخی از این رفتارها مصارف بسیار کلان را بر مردم افغانستان تحمیل کرده است آن گونه که بعد از سالیان دراز تاکنون افغانستان نتوانسته قامت خود را راست کند. نسل اکنون افغانستان نیز دارند تاوان رفتارهای اشتباه سیاسی گذشته را می‌پردازند؛ بی‌آنکه هیچ دخالتی در آن داشته باشند. با این هم تحولی جدیدی در افغانستان پدید آمده و نسلی ظهور کرده است که دیگر نمی‌خواهد مسیر اشتباه گذشته را ادامه بدهد و همچنان بر قربانی‌های گذشته بیفزاید. سالیان بس طولانی سایه های شوم و وحشتناک فلاکت، بر افغانستان حاکم بوده اند و هم اکنون نیز هراس آن احساس می‌گردد. اینها همه بر نسل جدید افغانستان این پیام را می‌رساند که هر نسل مسئول تعیین سرنوشت خود میباشد که اگر این کار را نکند ناگزیر است مصرف بی‌تفاوتی خود را بپردازد. اما تنها این احساس کافی نیست؛ مهم این است که نسل جدید با درایت و دانایی به سوی تعیین سرنوشت خود گام بردارد و گرنه ممکن است مسیر کار را بسیار دشوار سازد و خرج های مضاعف و غیر قابل جبران را بر جامعه تحمیل کند. نسل دیروز افغانستان نیز برای ایجاد تحول در تاریخ و سرنوشت کشور قدهلم کرد و به گمان خود هدفی جز پدیدآوردن آینده روشن برای مردم خود نداشت ولی مسلم است که برخی از مسیر را اشتباه کرده است و گرنه وضعیت موجود در افغانستان حاکم نمیشد. باز هم آن نسل را نمیتوان در پهنای تاریخ افغانستان نادیده پنداشت. آنها هم برای خود نسلی بودند و ارمان‌های بزرگی را بر سر داشتند. تاریخ را هیچگاه نمیتوان به صورت یک دست تصور کرد. تاریخ پاره‌های به هم دوخته از تحولاتی است که در مراحل مختلف زمانی به وجود آمده است. هر بخشی از تاریخ تکمیل کننده بخشی دیگر است. تاریخ را با همین سیر تکاملی طبیعی اش باید پذیرفت و تحلیل کرد. یکسان سازی و دست کاری تاریخ کار درست نیست. آنها که در این مرحله از تاریخ افغانستان مسئولیت دارند باید تلاش کنند که دیگر اشتباه گذشته را تکرار نکنند و گرنه به همان مرحله از تاریخ رجعت خواهند کرد. رجعت به گذشته تاریخی خرج مضاعف را در پی دارد. حتی آنها که احساس نوستالوژیک به گذشته تاریخی دارند نباید عملاً به دنبال احیای بخش سپری شده ای تاریخ باشند؛ بلکه کوشش کنند تاریخ را با شرایط معاصر و اقتضائات زمانی اش در نظر بگیرند و آینده را بهتر از آن تکوین کنند.

تاریخ با هرچه که باخود داشت اینک سپری شده است و اقتضائات زمانی اش هم انقضاء شده است. افغانستان وارد آن مرحله ای از تاریخ شده که با دیگر جوامع هم مسیر و هم سفر شده است و دیگر نمیخواهد از حرکت

تاریخ باز بماند. این اراده تقریباً در نسل جدید افغانستان به یک اراده و خواست مشترک تبدیل شده و اینک این نسل تمام توانش را به کار بسته است که تاریخ را یاری کند تا مسیری را که در پیش دارد ادامه بدهد. تاریخ سیاسی کشورها بر مسیر های متفاوتی حرکت کرده است ولی اینک همه تقریباً بر جاده دیموکراسی گام نهاده اند و راهی غیر از دیموکراسی در پیش روی تاریخ کشورها هراسناک به نظر میرسد و کشورها احساس سرنگونی می‌کنند.

افغانستان تقریباً هفده سال تمام است که بر مسیر دیموکراسی گام برمیدارد. مسیر دیموکراسی در این کشور تا هم اکنون ناهمواری های بسیاری را در پیش رو دارد و موانع زیادی تاهنوز هم احساس می‌گردد. اما آنچه که ادامه مسیر را مطمئن می‌سازد عزم و اراده محکم نسل جدید و تجربه نسل گذشته است. تقریباً اجماع اکثریتی در افغانستان اینست که نباید گذاشت افغانستان بار دیگر از جاده دیموکراسی منحرف شود. انحراف از مسیر دیموکراسی در افغانستان آن چنان خسارتی را بر این کشور تحمیل خواهد کرد که دیگر هیچ نسلی قادر نخواهد بود تا سالهای طولانی تاریخ کشور را به مسیر راست عیار سازد.

از این رو است که مردم افغانستان و جامعه مدنی افغانستان هفده سال گذشته را به مثابه تمام تاریخ افغانستان در نظر می‌گیرد و آنرا ارج می‌گذارد. در حقیقت تمام داشته های تاریخی افغانستان و تمام تلاش‌ها و قربانی های تاریخی مردم افغانستان در این هفده سال گذشته جوانه زده است و اکنون برآنست که به ثمر برسد.

درست به همین اهمیت و اولویت است که هر اقدامی که مخالف این دست‌آوردهای هفده سال گذشته باشد به هیچ وجه برای مردم افغانستان قابل قبول نیست و به منزله آسیب زدن به تمام دست‌آوردها و قربانی‌های گذشته تلقی می‌گردد.

با این رهیابی، دو رویدادی که گاهی در فضای سیاسی و عمومی مطرح می‌گردد هیچ گاهی نمی‌تواند مقبولیت داشته باشد. یکی از این رویدادها، برگشت به سنت سیاسی گذشته در افغانستان است که گاهی توسط برخی از حلقهات سیاسی مطرح می‌شود. این رویداد افغانستان را از آن رویه دیموکراتیک که هم اکنون وجود دارد خیلی دور و منحرف می‌سازد.

رویداد دومی انحرافی برخی شایعات مبنی بر تشکیل حکومت انتقالی مجدد در افغانستان است. این رویداد سیاسی نیز هیچگاهی مورد قبول نسل جدید و جامعه مدنی افغانستان نخواهد بود؛ زیرا تمام دست‌آورد هفده ساله افغانستان را ضرب صفر میکند و سنت انحراف عمدی از دیموکراسی را در افغانستان احیا می‌کند. تعلیق دیموکراسی به صورت عمدی در تاریخ جدی کشور یک بدعت خطرناک است و زمینه را برای سوء استفاده‌های مکرر سیاسی فراهم میکند که برای ادامه مسیر در افغانستان آسیب های فراوان و غیر قابل پیشبینی را رقم می‌زند.

پایان